

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بیانات حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرس‌ی طباطبائی یزدی دامت برکاته

درباره تاریخ مشروطه و ضرورت مطالعه دقیق و جامع در این زمینه

در آستانه چهاردهم و پانزدهم خرداد

در ابتدای درس خارج اصول - یکشنبه ۱۳/۳/۱۴۰۳

تاریخ مشروطه، پر از درس‌ها و عبرت‌های آموزنده

بحث ما در جلسه گذشته درباره فرمایش جناب آخوند و محقق نائینی رحمتهما بود. این دو بزرگوار در مسائل اصول و بسیاری از مسائل دیگر، از اولین مدققان هستند، گرچه در بعضی مسائل سیاسی هم - چنان‌که بارها گفته‌ایم - نامردها فرییشان دادند و آن فکریایی که کوه‌ها را ذوب می‌کرد، در مسائل مشروطه فریب خوردند و اکنون چون در آستانه چهاردهم و پانزدهم خرداد هستیم، باید بعضی مسائل را گفت و چاره‌ای نیست.

نتیجه اطلاعات نادرست و ساده‌اندیشی در مسائل اجتماعی

این دو بزرگوار آن همه فکر و عمق اندیشه داشتند و بسیار فوق‌العاده و واقعاً دریای دقت و خلاقیت بودند (خلاقیت محقق نائینی و دقت مرحوم آخوند رحمتهما)، اما به خاطر اینکه نگذاشتند اطلاعات درست به آن‌ها برسد و در عین حال همراه قدری ساده‌اندیشی در مسائل اجتماعی، فریب خوردند و خودشان هم بعداً پشیمان شدند.

نه تنها آن‌ها، بلکه کسانی که در تهران سردمدار بودند، مثل سیدین مرحومین نیز فریب خوردند و هرچه مرحوم حاج شیخ فضل‌الله، مرحوم سید، مرحوم ملاقربان‌علی و امثال آن‌ها گفتند که این‌ها فریب است و زیر این کاسه‌ها نیم کاسه‌هایی است، آن قدر از ظلم و ستم منزجر و ناراحت بودند که نپذیرفتند و گفتند مشروطه فرج است، ولی نمی‌دانستند که در ظاهر فرج است و در واقع ظلم است!

پناه آوردن به چاه، برای نجات از چاله!

نتیجه هم معلوم بود و واقعاً در تعجبیم که کسانی که سفارت انگلیس پناه بیاورند تا آن‌ها را از استبداد نجات بدهد! خیلی عجیب است و انسان حیران می‌ماند که چگونه می‌خواستند با پناه آوردن به چاه از چاله نجات پیدا کنند؟! مگر چنین چیزی ممکن است؟! کسانی که واسطه عهدنامه گلستان بودند و قتل وزیر باکفایتی مثل امیرکبیر و افراد دیگر را در کارنامه خود داشتند و آن همه جنایت کرده بودند، چگونه می‌توانستند خیرخواه مسلمانان باشند؟! ولی به هر حال شرایط آن قدر سخت بود و شدت ظلم چنان زیاد بود که آن‌ها را به این راه کشاند. راست هم می‌گفتند و واقعاً ظلم بسیار زیاد بود، اما فرار من المطر الی المیزاب

پشیمانی همگان از پذیرش مشروطه

بدین جهت بعداً هم همه آن بزرگان پشیمان شدند و کسی را سراغ نداریم که پشیمان نشده باشد؛ از مرحوم ملا عبداللّه مازندرانی و مرحوم آخوند گرفته تا مرحوم بهبهانی و مرحوم طباطبایی که سردمدار بودند. و حتی خود این‌ها را ترور کردند یا کنار زدند: شیخ فضل‌الله رحمه‌الله را که مهم‌ترین اساس مشروطه بود و عدالت‌خانه را مطرح کرده بود، آن‌چنان به دار آویختند، مرحوم بهبهانی را که اساس مشروطه بود، بعد از اینکه مشروطه‌چی‌های انگلیسی روی کار آمدند و مسلط شدند، ترور کردند، مرحوم طباطبایی را نیز خانه‌نشین کردند، در نهایت هم رضاخان را روی کار آوردند و کار را تمام کردند.

لزوم تقویت بینش و فهم سیاسی، علاوه بر فهم فقهی، اصولی و فلسفی

بدین جهت ما باید در مسائل سیاسی واقعاً بینش خود را بالا ببریم و علاوه بر فهم فقهی، اصولی و فلسفی، فهم سیاسی خود را نیز تقویت کنیم. متأسفانه جمعیت قابل توجهی هم در قضیه مشروطه فریب خوردند و بزرگانی مثل مرحوم آخوند، ملا عبداللّه مازندرانی و مرحوم نائینی سادگی کردند.

خاطره‌ای از مرحوم آیت‌الله بهجت

خداوند درجات مرحوم آقای بهجت را بالا ببرد. روزی خدمت ایشان عرض کردم: آیا مرحوم اصفهانی هم از طیف طرفدار مشروطه بودند؟ فرمودند: همه‌شان چنین بودند. ایشان هم معتقد بودند که آن‌ها سادگی کردند.

برنامه‌ریزی‌های صدساله و نقشه‌های پیچیده دشمن مکار و فریب‌کار

خیلی باید مواظب باشیم که دشمن بسیار مکار و فریب‌کار است. با هزار واسطه و با صبر صدساله برنامه‌ریزی می‌کند؛ چنان‌که مرحوم امام رحمه‌الله اشاره کردند که دشمنان برای صد سال آینده برنامه می‌نویسند. در رسانه‌های جمعی و نهادهای مختلف نفوذ می‌کنند، مخفیانه و آشکارا پول می‌دهند و تبلیغات می‌کنند، لباس تقدس به تن خود یا دیگران می‌کنند و انواع فریب‌ها را به کار می‌گیرند.

پیچیدگی سیاست‌های دشمنان ما مثل انگلیس و آمریکا فوق‌العاده است! برای نمونه، در قضیه فلسطین باید حدود چهل هزار انسان بی‌گناه از کوچک و بزرگ در غزه کشته شوند تا بعضی افراد تازه بیدار شوند! اگر فهم درست به کار برده نشود، خدای نکرده به چنین جاهایی می‌رسیم.

نعمت رهبران هوشیار و آگاه

بحمدالله خداوند متعال افراد هوشیار و فهمیده‌ای و در رأس آن‌ها مقام معظم رهبری دام‌ظله و قبل از ایشان مرحوم امام رحمه‌الله و دیگرانی را به ما داده که می‌توانند آن هزار لایه فریب را از چهره دشمن کنار بزنند و عمق قضایا را بفهمند.

عظمت و محبوبیت شیخ فضل‌الله، و فریب‌ها و فضا سازی‌های دشمن

بینید چقدر دشمن فریب به کار می‌برده و چگونه فضا را مسموم می‌کرده تا جایی که شخصیت بزرگی مثل حاج شیخ

فضل‌الله آن‌گونه در تهران به دار آویخته می‌شود و هیچ‌کس هم اعتراض نمی‌کند.

نوشته‌اند وقتی حاج شیخ فضل‌الله در تهران راه می‌رفت، جمعیت زیادی اطرافش برای تبرک و تیمن جمع می‌شدند، به‌گونه‌ای که ایشان فاصله کوتاهی را در زمانی طولانی طی می‌کرد. می‌گویند برخی اوقات وقتی شیخ فضل‌الله می‌آمد، مردم مغازه‌ها را می‌بستند تا به دیدن ایشان نائل شوند. البته ایشان معمولاً نگاهش به پایین بود و مشغول ذکر بود و توجهی به این و آن نداشت، مگر گاهی که آشنایی می‌آمد و یا جهتی داشت، سر بلند می‌کرد و احوال‌پرسی می‌نمود، باین‌حال مردم برای دیدن ایشان می‌آمدند.

ایشان چنین شخصیت بانفوذی از لحاظ علمی، معنوی و سیاسی داشته است. ببینید لویحی که ایشان در جریان تحصن حرم حضرت عبدالعظیم^{علیه السلام} نوشته، چقدر دقیق و به‌روز بوده که ناشی از آگاهی ایشان از مسائل جهانی و مخصوصاً اروپا بوده است. آن وقت چنین شخصیت بزرگی را رسماً در تهران اعدام می‌کنند و آب از آب تکان نمی‌خورد! پس از آن هم وقتی روس‌ها ثقة‌الاسلام تبریزی را به دار کشیدند، به آن‌ها اعتراض شد که چرا این کار کردید؟! گفتند: خود شما چند سال پیش عالم درجه‌یک خود را اعدام کردید! حالا ما این کار را کردیم! چه فرقی می‌کند؟! چقدر عالم و مجتهد را این‌ها از بین بردند. این‌ها خیلی مسائل مهمی است که باید به آن‌ها دقت کنیم.

ضرورت مطالعه دقیق و جامع تاریخ مشروطه

حتماً یک دوره تاریخ مشروطه را بخوانید، دقیق هم بخوانید و کتاب‌های جامع از نویسندگان معتبر بخوانید. متأسفانه در تاریخ مشروطه نوعاً قلم دست دشمن بوده که یکی از آن‌ها کسروی ملعون با آن‌همه رذالت است که پیوسته به دنبال دشمنی با اسلام و روحانیت بوده است.

اما بحمدالله کتاب‌های جدید و خوبی نیز در این زمینه نوشته شده است؛ از جمله کتاب‌های مرحوم آقای ابوالحسنی (منذر) که واقعاً در این زمینه کار کرده بود و متأسفانه از دنیا رفت. البته کتاب‌های او بیشتر تخصصی در مورد افراد است؛ مانند مرحوم شیخ فضل‌الله، مرحوم سید، ملاقربان‌علی و امثال آن‌ها،^۱ ولی کتاب‌های جامعی نیز اخیراً نوشته شده که در آن‌ها از کتاب‌های او هم استفاده شده است.

۱. مرحوم ابوالحسنی (منذر)، کتاب‌های زیادی درباره شخصیت‌های مهم مشروطه به‌ویژه مرحوم شیخ فضل‌الله نوری نوشته است؛ از جمله: مجموعه هفت جلدی «مشروطیت و شیخ فضل‌الله نوری»؛ شامل: ۱. آخرین آواز قو؛ بازکاوی شخصیت و عملکرد شیخ فضل‌الله نوری بر اساس «آخرین برگ» زندگی او، و «فرجام» مشروطه؛ ۲. اندیشه سبز، زندگی سرخ؛ زمان و زندگی شیخ فضل‌الله نوری؛ ۳. کارنامه شیخ فضل‌الله نوری، پرسش‌ها و پاسخ‌ها؛ ۴. دیده‌بان بیدار! دیدگاه‌ها و مواضع سیاسی و فرهنگی شیخ فضل‌الله نوری؛ ۵. خانه، بر دامنه آتشفشان! شهادت‌نامه شیخ فضل‌الله نوری؛ به ضمیمه شهادت‌نامه و وصیت‌نامه منتشرنشده شیخ فضل‌الله نوری؛ ۶. کالبدشکافی چند شایعه درباره شیخ فضل‌الله نوری (فروش مدرسه چال به بانک استقراضی، رشوه‌گیری از شاه و امین‌السلطان، و...). ۷. شیخ فضل‌الله نوری و مکتب تاریخ‌نگاری مشروطه.

همچنین دو کتاب «پایداری تا پای دار؛ سیری در زندگینامه علمی - معنوی - اجتماعی و سیاسی شهید شیخ فضل‌الله نوری» و «تحلیلی از نقش سه‌گانه شیخ شهید نوری در نهضت تحریم تنباکو» از دیگر آثار وی درباره شیخ فضل‌الله نوری است.

کتاب‌های «سلطنت علم و دولت فقر؛ سیری در زندگانی و افکار و مجاهدات حجت‌الاسلام ملاقربان‌علی زنجانی» و «فراتر از روش آزمون و خطا: زمانه و کارنامه آیت‌الله العظمی آقا سید محمدکاظم طباطبایی یزدی (صاحب عروه)» نیز از آثار او درباره شخصیت‌های مهم مشروطه است.

این کتاب‌های جامع را با دقت بخوانید و یادداشت‌برداری کنید. ببینید چقدر به مرحوم آخوند تهمت زدند و چه مطالب نادرستی را به ایشان نسبت دادند؛ مثلاً می‌گفتند: آخوند به‌نوعی فتوا داده که شیخ فضل‌الله را اعدام کنید! حتی تلگراف‌های رسمی با این مضمون وجود دارد؛ چنان‌که یکی از علما می‌گفت: من در یکی از کتابخانه‌ها نمونه آن را دیدم که نوشته بود: «شیخ فضل‌الله فاسد، دفعه لازم!» درحالی‌که این‌ها همه دروغ است و امروزه سندهایی وجود دارد که نشان می‌دهد مرحوم آخوند این تلگراف‌ها را تکذیب کرده بود. بله، این اواخر سوءظن‌هایی در مورد شیخ فضل‌الله پیدا کرده بود و لذا از ایشان دفاع نمی‌کرد، اما هرگز چنین نبوده که به اعدام ایشان فتوا داده باشد. به‌خاطر همین هم بود که بعداً خواست به ایران بیاید و ببیند قضایا چگونه است که ظاهراً مسمومش کردند و از دنیا رفت. به‌رحال مطالعه این مسائل برای طلاب امروز از اوجب واجبات است.

پیش‌بینی مرحوم سید در قضایای مشروطه

درباره مرحوم سید نیز مرحوم مندر کتاب خوبی نوشته است: «فراتر از روش آزمون و خطا». ببینید مرحوم سید چه مذاکراتی با مرحوم آخوند داشته و چگونه همه این اتفاقات را پیش‌بینی می‌کرده است تا جایی که بعضی افراد خیال می‌کردند از مسائل غیبی خبر داشته است! درحالی‌که این پیش‌بینی‌ها نتیجه آگاهی و تحلیل مسائل اجتماعی بوده است.

در مجلسی مرحوم سید رسماً گفته بود: آیا می‌خواهید چادر از سر زنان ما و عمامه از سر مردان ما برداشته شود؟ آن‌ها شرایط ترکیه، مشروطه‌طلبان ترکیه و متجددان و روشنفکران آنجا را دیده بودند، از ایران هم خبر داشتند و افراد را می‌شناختند. درعین حال تهمت‌هایی که به آن‌ها زده شده - چه از این طرف و چه از آن طرف - در حدی است که بعضی از آن‌ها واقعاً ظلم است و باید ساحت آن‌ها از این تهمت‌ها پاک شود.

خواندن این مسائل و پند گرفتن از آن‌ها در شرایط امروزی یک ضرورت است؛ چون شرایط امروز ما بسیار شبیه شرایط آن زمان است و دشمنان و حیل‌های آن‌ها نیز شبیه آن زمان است. بدین جهت باید واقعاً در این زمینه مطالعه کنیم و در مورد حوادث و عبرت‌های مشروطه به دقت اندیشه و تأمل نماییم.

تهیه و تنظیم: سعید گلاب‌بخش